

گفتمان اسلام‌گرایی فرهنگی فتح‌الله گولن

(اسلام به مثابه هویت و فرهنگ)

دکتر منصور میراحمدی - استاد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی
امیر رضائی پناه - دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

فتح‌الله گولن یکی از برجسته‌ترین و مؤثرترین تجددگرایان دینی معاصر در ترکیه و جهان اسلام است. وی از راه بازاندیشی در مبانی اجتماعی - فرهنگی دین اسلام، به گفتمانی هویت پایه دست یافته و آنرا با شبکه جنبش خود در بسیاری از نقاط جهان گسترش داده است. از گفتمان گولن با عناوینی همچون اسلام‌گرایی فرهنگی، اسلام‌گرایی مدنی، اسلام‌گرایی آموزشی و... یاد می‌شود. این پژوهش به دنبال واکاوی سامانه نشانه شناختی و مبانی گفتمانی این جنبش و نسبت‌یابی میان آن و گفتمان اسلام سیاسی عمل‌گرای حزب عدالت و توسعه و گروه‌هایی همانند اخوان المسلمین است. مدعای نوشتار این است که جنبش گولن، نهضتی استوار بر خوانشی فرهنگی - هویتی از اسلام، در تضاد با گفتمان سیاسی سنتی، اسلام‌گرایی سلفی و رادیکال - بنیادگرا، و مبتنی بر ارکانی چون هویت، شریعت حداقلی، دموکراسی، رواداری، سکولاریسم، مدنیت و آموزش، هزمت (خدمت)، گفت‌وگوی بین‌فرهنگی و بین‌الادیانی و... است. چارچوب نظری جستار، استوار بر نظریه تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف است که با دقایقی از خوانش تئون فن‌دایک و روٹ وداک تقویت شده است. در این شیوه میان نظام نشانگانی و معنایی متن و ساختارها و زمینه‌های سیاسی - اجتماعی ارتباط برقرار شده؛ روندهای ذهنی و عینی ساخت معنا و انتساب دال، مدلول و مصادیق در سامانه مفصل‌بندی تبیین می‌شود.

درآمد

در نگاهی کلان‌تر، ترکیه را بعنوان میراث‌دار امپراتوری عثمانی، باید یکی از برجسته‌ترین و اثرگذارترین بازیگران در جهان اسلام و خاورمیانه دانست. این نقش‌آفرینی بویژه از زمان برآمدن جریان اسلام‌گرایی در این کشور با پیروزی حزب عدالت و توسعه عینی‌تر شده است. از ۲۰۱۰ و با بالا گرفتن موج موسوم به «بیداری اسلامی» و «بهار عربی» و دگرگونی‌هایی که بر کشورهای منطقه در دو حوزه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری اثر گذاشت، اهمیت ترکیه بعنوان یک منبع ایدئولوژیک و عملیاتی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. امروزه ترکیه، ایران و عربستان سه قطب ایدئولوژیک جهان اسلام را، البته با نسبت‌ها و دایره‌های نفوذ و ژرفاهای استراتژیک متفاوت، می‌سازند. گرچه کشورهای دیگری همچون مصر، قطر، مالزی و... را نیز می‌توان به این دسته افزود، اما سه گفتمان ایرانی - شیعی، ترکی - اسلامی و عربی - سلفی، با نسبت‌های پیچیده و تعامل و رویاروییهای ذهنی و عینی که با یکدیگر دارند از ایدئولوژیهای دیگر

جنبش گولن یکی از برجسته‌ترین جنبشهای اجتماعی - فرهنگی در جهان اسلام و خاورمیانه معاصر است. شالوده این جنبش، که رگه‌هایی از سنت اسلام‌گرایی میانه‌رو و متساهل آناتولی را در خود دارد، بر بازخوانی و تولید و بازتولید مبانی هویتی اسلام استوار است. جنبش گولن و هوادارانش، حرکتی مسالمت‌جویانه است که بازی سیاست را در پهنه فرهنگ و هویت دنبال می‌کند. این گفتمان با رهیافتی واقع‌گرا و عمل‌گرا، به دنبال آن است تا با کاربست نرم‌افزارهای قدرت، خوانشی ملایم، میانه‌رو و سکولار از اسلام به دست دهد. این ایستار با خوانشهای مبتنی بر اسلام سیاسی ناسازگار است. این گفتمان با نفی هرگونه قرائت سیاسی از اسلام، گونه‌ای از اسلام مدنی استوار بر آموزش را دنبال می‌کند. جنبش گولن، با همه نشانگان پیدا و پنهانش که به اقتصادگرایی بیشینه و قدرت‌طلبی پنهان آن دلالت دارد، جنبشی هنجاری و معنا‌ساز است.

تمتایز می‌شوند.

در نوشتار پیش رو، با به پرسش گرفتن سامانه نشانه‌شناختی و نظام مفصل‌بندی گفتمان فتح‌الله گولن، به بازخوانی مبانی گفتمانی آن، در بستر جریان اسلام‌گرایی ترکیه امروز می‌پردازیم. برپایه فرضیه مقدماتی، برآنیم که اسلام‌گرایی در گفتمان گولن، گونه‌ای از اسلام‌گرایی فرهنگی - هویتی است که در اصولی همچون ناسیونالیسم ترکی و نوع‌گمانی‌گرایی با اسلام سیاسی حاکم در ترکیه همراه است ولی در بازخوانی مبانی اسلام با آن تفاوت‌های اساسی دارد. این گفتمان به گونه‌ای جدی به دنبال افزایش قدرت نرم ترکیه و ژرفای استراتژیک آن، بویژه در جهان اسلام است. رهیافت علمی این پژوهش رهیافت تبیینی و روش گردآوری داده‌های آن نیز شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی است.

۱. چارچوب نظری

چارچوب روش‌شناسانه جستار پیش‌رو بر نظریه تحلیل انتقادی گفتمان استوار است. در این چارچوب، متن و زمینه در یک بستر تعاملی و در نسبت با ساختارها و بافتارهای سیاسی - اجتماعی دیده می‌شود. تحلیلگران انتقادی گفتمان، زبان را یکی از مؤلفه‌های زندگی اجتماعی می‌دانند. این مسائل می‌تواند دربردارنده سامانه‌های اقتصادی، روابط اجتماعی، قدرت و ایدئولوژی، مذهب، رسوم متداول، تغییر اجتماعی، هویت اجتماعی و... باشد (Fairclough, 2007:8). تحلیل انتقادی گفتمان نه مدلی همگن و نه مکتب یا الگو، که در بهترین صورت رویکردی مشترک درباره تحلیل‌های زبان‌شناختی، معناشناختی یا گفتمانی است (Van Dijk, 1993:131). تحلیل گفتمان واقعی بر این موارد تمرکز دارد (De Gregorio Godeo, 2006:88): یک، تبیین ابعاد بافتی گفتمان؛ دو، تفسیر کناکش روش‌های گفتمانی؛ سه، توضیح گفتمان چنان‌که کنش‌های اجتماعی - سیاسی برآمده از ماتریس اجتماعی موجود و دربردارنده یک ایدئولوژی ویژه باشد. تحلیل انتقادی گفتمان تمرکزی ویژه بر استراتژی‌های تدبیر، مشروعیت‌بخشی، ایجاد رضایت و دیگر شیوه‌های اثر گذاشتن بر ذهن افراد (و غیرمستقیم بر کنش‌ها) در دستیابی به منافع آنان دارد (Van Dijk, 1995:18). به گفته وداک، امروزه اصطلاح تحلیل انتقادی گفتمان به رویکرد زبان‌شناختی انتقادی دانشورانی اشاره دارد که از دید آنان بزرگترین واحد گفتمانی، بافت سطح بنیادین ارتباط است. در این پژوهش بویژه گفتمان‌های نهادی، سیاسی، فرهنگی، هویتی، جنسی

• جنبش گولن، نهضتی استوار بر خوانشی فرهنگی - هویتی از اسلام، در تضاد با گفتمان سیاسی سنتی، اسلام‌گرایی سلفی و رادیکال - بنیادگرا، و مبتنی بر ارکانی چون هویت، شریعت حداقلی، دموکراسی، رواداری، سکولاریسم، مدنیت و آموزش، هزمت (خدمت)، گفت‌وگوی بین‌فرهنگی و بین‌الادیانی و... است.

و رسانه‌ای و... مورد نظر است که این مؤلفه کم و بیش مؤید روابط آشکار ستیزآلود است (Wodak and Ludwig, 1999:11). از میان رویکردهای گوناگون به تحلیل انتقادی گفتمان، می‌توان به پنج ویژگی مشترک پی برد: یکم، بخشی از سرشت ساختارها و فراگردهای اجتماعی و فرهنگی زبان‌شناختی - گفتمانی است؛ دوم، گفتمان هم تشکیل‌دهنده و هم شکل‌یافته است؛ سوم، کاربرد زبان باید به گونه‌ای تجربی در بافت اجتماعی خود تحلیل شود؛ چهارم، کنش گفتمان ایدئولوژیک است؛ و پنجم، گفتمان پژوهشی انتقادی است. (Jorgensen & Phillips, 2002: 60-64).

رویکرد فرکلاف به تحلیل گفتمان بر این فرض استوار است که زبان بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی اجتماعی است که با روشی دیالکتیکی با دیگر مؤلفه‌ها پیوند می‌یابد. بنابراین تحلیل اجتماعی و پژوهش همواره باید زبان را در نظر داشته باشد. این بدان معنا است که یک شیوه زایشی پژوهش‌های زبانی، از راه تمرکز بر زبان است که این امر بویژه با برخی گونه‌های تحلیل گفتمان صورت می‌گیرد. یکی از آثار سببی که اهمیتی بسزا در تحلیل انتقادی گفتمان دارد، اثر ایدئولوژیک بافت در پایداری یا تغییر ایدئولوژی است. تحلیل انتقادی گفتمان، مبتنی بر دیدگاهی از معناشناسی بعنوان مؤلفه‌ای وابسته به همه فرایندهای اجتماعی است (Fairclough, 2003: 205). فرکلاف تحلیل انتقادی گفتمان را چنین تعریف می‌کند: «منظور من از تحلیل انتقادی گفتمان، تحلیل گفتمانی است که هدف آن کشف سامانمند روابط مبهم علیت و تعیین میان (۱) کنشها، رویدادها و بافتهای گفتمانی، و (۲) ساختارها، روابط و فراگردهای گسترده فرهنگی و سیاسی برای واکاوی این امر است که چگونه چنین کنشها، رویدادها و بافتهایی پدید می‌آیند؛ و در روابط قدرت و ستیز بر سر قدرت از دید ایدئولوژیک کشف می‌شوند. دریافتن اینکه چگونه این ابهام در روابط میان گفتمان و جامعه خودبه‌خود عاملی در اطمینان‌بخشی به

با کاربست تحلیل انتقادی گفتمان، نخست ساختار نشانگانی و سامانه مفصل‌بندی گفتمان گولن را شناسایی کنیم، سپس از توصیف و شناسایی نشانگان، مدل‌ها و مصادیقش تحلیل و تفسیری متناسب به‌دست دهیم. هدف، شناسایی ساختارها و سامانه معنایی ایدئولوژی گولن و گفتمانهای مرتبط، از راه واکاوی و شالوده‌شکنی گفتمانها است. ساختارها و شیوه‌های تولید و بازتولید قدرت و هژمونی، بویژه در حوزه فرهنگی - اجتماعی و هویتی، در پرتو این موضوع نمایان می‌شود. رهیافت تحلیل انتقادی گفتمان، همچنین ابزاری برای شناسایی مرزهای دگرسازی و روندهای معطوف به هویت و خصومت‌سازی است.

۲. تاریخچه جنبش گولن

جنبش هزمت، یک جنبش اجتماعی فراملی است که تحت تأثیر آموزه‌های گولن پایه‌گذاری شده است. آموزه‌های او درباره هزمت (خدمات نوع‌دوستانه در راستای خیر همگانی) هواداران فراوانی در سراسر جهان یافته است. این جنبش که بیشتر در زمینه‌های اجتماعی، آموزشی، بین‌الادیانی و میان فرهنگی فعالیت دارد، در ترکیه هزمت نام گرفته و در سطح بین‌المللی بعنوان جنبش یا جماعت گولن شناخته شده است. بنیادگذاری این جنبش همزمان با بالا گرفتن بحث پیرامون نقاط ضعف و قوت سکولاریسم در ترکیه بود. گفتمان گولن بر برداشت استعلایی از موازین و اصول اسلام استوار است و بر گفت‌وگوی میان فرهنگی صلح‌آمیز و ارتباط در راستای دستیابی به مفاهیم تأکید دارد (Chung-wen, 2013:315-318).

شاید بتوان پایه‌گذاری این جنبش را از ۱۹۶۶ تا ۱۹۸۰ همزمان با کودتای ژنرال کنعان اورن دانست. پس از این کودتا، بنیادهای دینی در ترکیه با پشتیبانی نظامیان تقویت شد تا گزینه مخالفی در برابر چپ رادیکال پدید آید. در سالهای ۱۹۹۴-۱۹۸۰ با وجود اثر انقلاب اسلامی بر تحریک گولن به فعالیت بیشتر و برخی حمایتها از سوی حزب رفاه اربکان، تأکید جنبش بر آموزش و راه‌اندازی مدارس در سطوح ملی و بین‌المللی قرار گرفت. از ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ این جنبش با ورود به عرصه عمومی و مطرح ساختن گفت‌وگوی بین‌الادیانی، خود را بیشتر نشان داد. این مرحله با تشکیل بنیاد روزنامه‌نگاران و نویسندگان آغاز و زمینه‌ساز نفوذ گسترده در رسانه‌ها و نشست با سیاستمداران، هنرمندان، چهره‌های دینی و رهبران شد. شاید واپسین مرحله را بتوان از ۱۹۹۹

• امروزه ترکیه، ایران و عربستان سه قطب ایدئولوژیک جهان اسلام را، البته با نسبت‌ها و دایره‌های نفوذ و ژرفاهای استراتژیک متفاوت، می‌سازند. گرچه کشورهای دیگری همچون مصر، قطر، مالزی و... را نیز می‌توان به این دسته افزود، اما سه گفتمان ایرانی - شیعی، ترکی - اسلامی و عربی - سلفی، با نسبت‌های پیچیده و تعامل و رویاروییهای ذهنی و عینی که با یکدیگر دارند از ایدئولوژیهای دیگر متمایز می‌شوند.

قدرت و هژمونی است نیز از دیگر نقاط تمرکز تحلیل انتقادی گفتمان است» (Fairclough, 1995:132-133). فرکلاف و وُداک مهمترین اصول تحلیل انتقادی گفتمان را این‌گونه برمی‌شمارند: نخست، مورد خطاب تحلیل انتقادی گفتمان، مسائل اجتماعی است؛ دوم، روابط قدرت گفتمانی هستند؛ سوم، گفتمان، جامعه و فرهنگ را می‌سازد؛ چهارم، گفتمان کار ایدئولوژیک انجام می‌دهد؛ پنجم، گفتمان تاریخی است؛ ششم، ارتباط میان بافت و جامعه میانجیگری می‌شود؛ هفتم، تحلیل گفتمان تفسیری و تبیینی است؛ و هشتم، گفتمان گونه‌ای از کنش اجتماعی است. (Fairclough and Wodak, 1997: 271-280).

رهیافت فرکلاف با تمرکز سه بُعدی همزمانی بر گفتمان شناسایی می‌شود که در آن گفتمان و هرگونه کنش گفتمانی ویژه به‌صورت همگام به‌مثابه ۱. بافتی زبانی که نگاشته یا بیان شده؛ ۲. کنشی گفتمانی (تولید و تفسیر متنی)؛ ۳. کنشی اجتماعی - فرهنگی دیده می‌شود (Fairclough, ۱۹۹۵:۹۷). فرکلاف سه بُعد را در تحلیل انتقادی گفتمانی شناسایی می‌کند: یک، توصیف: مرحله‌ای است که با ویژگیهای رسمی بافت سروکار دارد؛ دو، تفسیر: با روابط میان متن و کناکنش سروکار دارد و بافت را فرآورده فرایندهای تولید و بعنوان سرچشمه‌ای در فراگرد تفسیر تلقی می‌کند؛ و سه، تبیین: با روابط میان کناکنش و بافت و تعیین اجتماعی فراگرد تولید و تفسیر و آثار اجتماعی آنها سروکار دارد. (Fairclough, 1989: 26-27)

در نوشتار پیش رو می‌کوشیم از این ابزار روش‌شناسانه در فرایند آزمون فرضیه بهره گیریم. روش تحلیل گفتمان ابزاری است که می‌تواند در سه سطح توصیف، تحلیل و تبیین در بازشناسی گفتمان اسلام‌گرایی گولن کارآمد باشد. در این نوشتار می‌کوشیم

برآنند که جهاد یک نبرد سیاسی- نظامی است، گولن تأکید می‌کند که جهاد نبردی اخلاقی - معنوی است. تفسیر گولن از اسلام سکولار و پلورالیستی، پاسخی درون‌گفتمانی به جنبش ضدسکولار اسلامگرایان ترکیه است. گولن همواره به اصول سکولاریسم پایبند بوده اما همزمان در چارچوب اندیشه نوعثمانی‌گرایی خویش، بر تاریخ ترکیه بویژه امپراتوری عثمانی تأکید دارد. مهمترین نکاتی که دریافت گولن از دین همراه با سکولاریسم را سازمان می‌دهد، می‌توان چنین خلاصه کرد: نخست اینکه، اسلام بعنوان یک نظام ارزشی پیش از هر چیز باید در جهان درونی ما و با رویکردی ایمانی - شهودی پایه‌گذاری شود؛ در این صورت است که ما با خدا و نظام آفرینش وحدت می‌یابیم و از راه این سازش به جهان فراماده و عالم کائنات می‌رسیم. در حقیقت او نظم انسانی را در دنباله یک نظام کیهانی می‌داند که همه کائنات و عالم ماده و فراماده را دربرمی‌گیرد. خداوند کانون این نظم و اصول لطف و عدالت وی در آن جاری است و فرد، خانواده و جامعه سعادت‌مند آن است که این نظم را درک و در سامانه گفتمانی، ساختارها و بافتارهای خود پیاده کند. این، نکته‌ای بنیادی در جهان‌بینی، شناخت‌شناسی، انسان‌شناسی، غایت‌شناسی و روش‌شناسی گفتمان گولن است (Gülen, 2005a: 209).

دوم اینکه، مسلمان خوب کسی است که هم نیروی بدنی و هم نیروی معنوی و هم توانایی علمی و فنی دارد؛ کسی که هر آنچه برای دیگران پسندیده و ناپسند است، مدنظر قرار دهد و آنرا همچون مقیاسی برای تعامل با دیگران در نظر گیرد (Gülen, 2005b:59). در این معنا، گولن یکپارچگی و عدالت را رواج می‌دهد و آنرا یک دستور الهی می‌داند و هرگونه نابرابری و نژادپرستی را محکوم می‌کند. سوم اینکه، گولن با انگشت نهادن بر عقب‌ماندگی جهان اسلام، این پدیده را بازتاب چند سده فشار و استبداد و استعمار در جوامع مسلمان می‌داند.

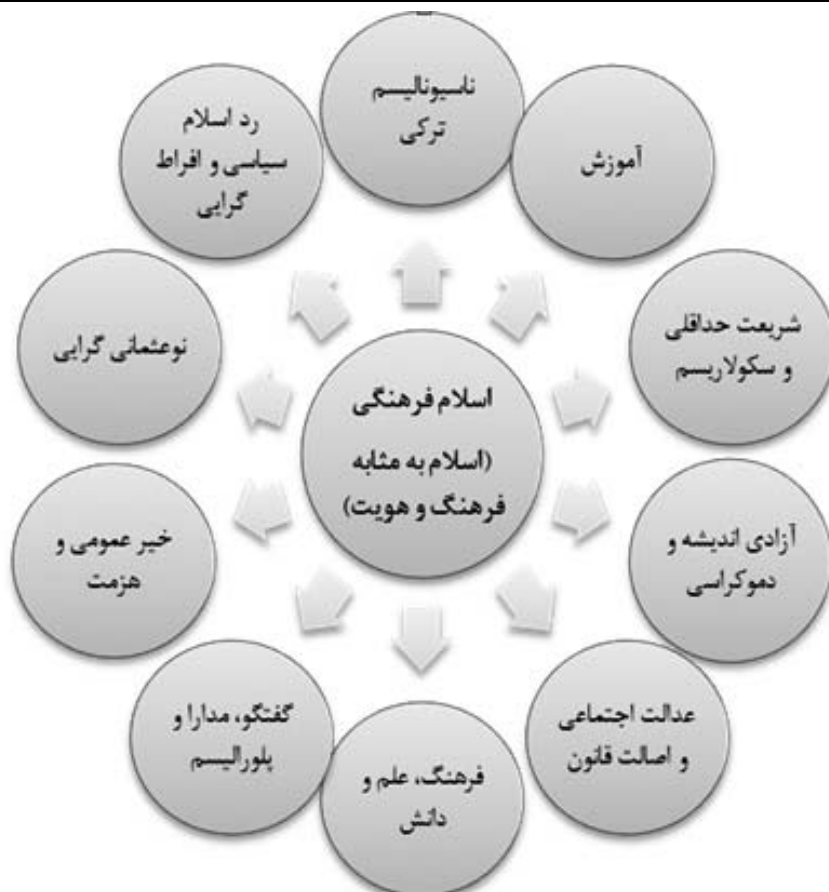
● **اسلام‌گرایی در گفتمان گولن، گونه‌ای از اسلام‌گرایی فرهنگی - هویتی است که در اصولی همچون ناسیونالیسم ترکی و نوعثمانی‌گرایی با اسلام سیاسی حاکم در ترکیه همراه است ولی در بازخوانی مبانی اسلام با آن تفاوت‌های اساسی دارد. این گفتمان به‌گونه‌ای جدی به دنبال افزایش قدرت نرم ترکیه و ژرفای استراتژیک آن، بویژه در جهان اسلام است.**

تا امروز دانست. در این دوره، و بویژه پس از برآمدن حزب عدالت و توسعه در ۲۰۰۱ و دگرگونیها در ۲۰۱۰ و موج جنبشها و تحولات منطقه‌ای، جنبش ناگزیر از پاسخگویی در برابر هوادارها، انتقادات و تهاجمهای گسترده رسانه‌ای و آرای عمومی در ترکیه و بیرون از آن بوده است (Aviv, 2010:103). جماعت گولن نیز همانند دیگر گروهها با ریشه صوفی‌گرایانه، ساختاری حلقه‌ای و سلسله‌مراتبی دارد. این ساختار از حلقه خواص و برادران بزرگتر آغاز می‌شود و تا لایه هواداران عمومی و اجتماعی ادامه می‌یابد (Yavuz, 2003b: 190).

۳. سامانه مفصل‌بندی گفتمان اسلام‌گرایی فرهنگی گولن

فتح‌الله گولن در ترکیه از برجسته‌ترین رهبران دینی است. او متأثر از اندیشه‌ورزانی همچون شیخ بدیع‌الزمان نوری و جنبش نورچی، برداشت تازه‌ای از ارتباط میان سیاست و دین به‌دست داده است. تفسیر او از سنت، نصوص و عقل اسلامی راه را برای مفاهیم کلیدی تازه‌ای در اسلام هموار کرده است که از آن می‌توان به اسلام پلورالیستی، روادار، سکولار و علمی یاد کرد (Isgandarova, 2014:203). گولن هیچ‌گاه آشکارا از ایده‌ها یا روشهای سیاسی اسلامگرایان تندرو و حتا اسلام سیاسی پشتیبانی نکرده است. او همواره از زندگی فعال سیاسی دوری جسته و برعکس بر فعالیتهای آموزشی، رسانه‌ای، خدماتی، آکادمیک، رفاه اجتماعی و سلامت تمرکز کرده است. بنابراین، هنوز هم هستند کسانی که او و گروهش را محافظه‌کار، لیبرال و اسلام‌گرای سیاست‌گریز می‌خوانند. گولن به نفوذ تدریجی در درون جامعه و دولت باور دارد. وی این رویکرد را آشکارا در یک نشست خصوصی با پیروان خود در میان گذاشت: «شما باید بی‌اینکه کسی متوجه شود، وارد شریانهای نظام شوید تا اینکه به همه مراکز قدرت دست یابید... تا زمانی که زمینه آماده شود، پیروان باید این راه را ادامه دهند... شما باید منتظر بمانید تا هنگامی که همه قدرت دولت را به‌دست آورید، تا زمانی که همه قدرت نهادهای قانون‌گذار ترکیه را به‌سوی خود جلب کنید» (Stakelbeck, 2013). آموزه‌های گولن در تضاد آشکار با روش سیاسی گروههای اسلام‌گرایی مانند اخوان‌المسلمین است که باور دارند این یک الزام دینی است که باید دولت را مستقیماً و رأساً به دست گرفت و قانون اسلامی را مینا قرار داد. گولن می‌گوید دین از سیاسی شدن رنج می‌برد. درحالی‌که اخوان‌المسلمین

شکل شماره (۱): سامانه مفصل بندی گفتمان اسلام‌گرایی فرهنگی گولن



عدالت، نهادی‌سازی مصرف و درآمد به شیوه‌ای که مانع طبقه‌سازی ناعادلانه شود، بوده است. برتری قانون و فرهنگ مدنی هیچ‌گاه به‌درستی در جوامع اسلامی تشخیص داده نشده است (Gülen, 2004: 240).

به باور گولن، اسلام اصول بنیادی زیر را دربرمی‌گیرد: قدرت در راستی نهفته است؛ مردود بودن ایده‌هایی که درستی و راستی را مبتنی بر قدرت می‌داند؛ عدالت و قانون ضرورت دارد؛ آزادی اندیشه و حقوق مربوط به زندگی، دارایی شخصی، فرزندآوری و سلامت (جسمی و روحی) را نمی‌توان نقض کرد؛ باید حریم و امنیت زندگی افراد را بهبود بخشید؛ هیچ‌کس نباید بی‌مدرک متهم به بزهکاری یا به‌خاطر جرم دیگری مجازات شود؛ نظام مشورتی در مدیریت لازم است (Gülen, 2010). از دید گولن، ارزشهای بنیادینی که سده بیست‌ویکم را نشانه‌گذاری می‌کند، چنین است: مدرنیسم، پلورالیسم، فردگرایی و دین. برخی کسان ادعا می‌کنند که مدرنیته، افراد و زندگی اجتماعی را به‌صورت یک کل دربرمی‌گیرد و گونه‌های تازه‌ای از پلورالیسم دینی، فرهنگی و سیاسی

این موضوع احساسات، اندیشه‌ها، فرهنگ و آموزش مسلمانان را محدود کرده و از این‌رو آنان نتوانسته‌اند نوزایش و توسعه فرهنگ خود را شکل دهند. به دیگر سخن، عقب‌افتادگی کشورهای اسلامی به‌علت تداوم نظام قبیله‌ای - فئودالی و ارباب - رعیتی (در برابر نظام شهروندی) و نبود آموزش، ارزشهایی مانند دموکراسی و حقوق بشر، گسترش آموزش در جامعه، رفاه اقتصادی،

● گولن هیچ‌گاه آشکارا از ایده‌ها یا روشهای سیاسی اسلام‌گرایان تندرو و حتا اسلام سیاسی پشتیبانی نکرده است. او همواره از زندگی فعال سیاسی دوری جسته و برعکس بر فعالیتهای آموزشی، رسانه‌ای، خدماتی، آکادمیک، رفاه اجتماعی و سلامت تمرکز کرده است. بنابراین، هنوز هم هستند کسانی که او و گروهش را محافظه‌کار، لیبرال و اسلام‌گرای سیاست‌گریز می‌خوانند.

● گولن به نفوذ تدریجی در درون جامعه و دولت باور دارد. وی این رویکرد را آشکارا در یک نشست خصوصی با پیروان خود در میان گذاشت: «شما باید بی‌اینکه کسی متوجه شود، وارد شریانه‌های نظام شوید تا اینکه به همه مراکز قدرت دست یابید... تا زمانی که زمینه آماده شود، پیروان باید این راه را ادامه دهند... شما باید منتظر بمانید تا هنگامی که همه قدرت دولت را به دست آورید، تا زمانی که همه قدرت نهادهای قانون‌گذار ترکیه را به سوی خود جلب کنید».

۴. اندرکنش سنت و مدرنیته در گفتمان اسلام‌گرایی

فرهنگی گولن

گفتمان گولن گفتمانی توسعه‌گراست. در این اندیشه میان مبانی سنتی اسلامی و مبادی و مفاهیم غربی پیوند برقرار می‌شود. این نکته را در دو سطح سلبی و ایجابی می‌توان ردیابی کرد. در هر موضوع، گولن دو دغدغه‌های از وضع موجود و ترسیم الگوی مطلوب را در نظر دارد. گرچه نقطه عزیمت و کانون توجه گولن ترکیه است، ولی او آگاهانه یا ناآگاهانه در مسیر طراحی الگو و ایده‌های جهانی و فراملی قرار گرفته است. گولن بیشتر بعنوان یک ایده‌آلیست اصیل شناخته می‌شود که گفتمانش بیشتر بر معنویت، ارزشها و دغدغه‌ها استوار است تا بر قدرت سیاسی. او شناخت زیادی از قدرت سخت و نرم دارد و قدرت را برحسب مؤلفه‌ها و محدوده‌های گوناگون درک می‌کند. گولن درباره توازن میان آرمانها و واقعیتها، عمل‌گرا است و می‌تواند درباره کسانی که بوسیله آرمانهای دینی بی‌در نظر گرفتن محدودیتهای اعمال‌شده بر آنان از سوی ساختار قدرت موجود برانگیخته می‌شوند، نگاهی انتقادی داشته باشد (Yavuz, 2013: 199).

گولن پیش و بیش از هر چیز یک ناسیونالیست ترک-عثمانی است. در کارنامه او پشتیبانی از ناسیونالیستهای همچون آلباسلان تکش، محسن یازجی، مراد دولت باغچی و... دیده می‌شود. ناسیونالیسم ترکی و نوسمانی‌گرایی او، امری فراگیر و مبتنی بر تاریخ و تجارب مشترک و موافقت با زیست مشترک در یک جامعه ملی و نه استوار بر خون و نژاد است. اندیشه گولن در این حوزه، میان ناسیونالیسم، انترناسیونالیسم و زنده کردن امپراتوری عثمانی در نوسان است. گولن کمتر میان ترکهای قومی و غیر قومی تمایز قایل می‌شود

پدید آورده است. مدرنیسم دو پدیده خرده ایدئولوژیک را به همراه داشته است: پیشرفت و جهانی شدن. برخی از نظریه‌پردازان، مدرنیسم را از دیدگاه سلطه روزافزون بشر بر محیط پیرامون و دانش پیشرفته آنان نسبت به این موضوع نشان داده‌اند.

این پیوند مستقیم که میان دانش، قدرت و هژمونی ایجاد شده، فرصتهایی برای ابرقدرتها فراهم آورده که هژمونی و سلطه خود را تولید و بازتولید کنند (Gülen, 2009). همه نشانگان بنیادی گفتمان گولن یکسره از ایده زندگی کردن برای خدمت به خلق از راه امر به معروف و نهی از منکر سرچشمه می‌گیرد و این، دربردارنده افزایش تقوا و کوشش برای جلوگیری از گسترش فساد است. گولن اصولی را بعنوان ویژگیهای کسی که عضو هزمت است برمی‌شمرد: باور به یک هدف غایی؛ نועدوستی؛ زندگی برای دیگران؛ حس مسئولیت فردی؛ روحیه وقف؛ رشادت. (Çelik, 2008: 53)

گولن برای دستیابی به هدفهای خود سه مفهوم بسیج‌کننده جامعه ترکی را برمی‌انگیزد: هزمت (خدمت به دین و دولت)؛ همت (بخشش داشتن و پشتیبانی از کار خوب) و اخلاص (پاداش را تنها از خدا خواستن برای هر کنش). در جنبشی که گولن رهبری می‌کند، نیروهای محرک درونی فرهنگ ترکی مانند همت، هزمت و اخلاص به کار گرفته می‌شود تا جامعه بر پایه انگاره‌های اسلامی ساخته شود.

روش گولن از حرکت از لایه‌های بیرونی به درونی می‌تواند واکنشی به ناکامی جنبشهای اسلامی پیشین در ترکیه باشد که از هم‌اندیشان درونی به عوام بیرونی حرکت می‌کردند. اسلام از دید گولن باید با کنش نمایان شود و این رفتارها نموده‌های ایمان درونی است (Yavuz, 2003b: 186-188). Webb, 2013: 11). چهار مؤلفه عمده مدنیت، از جمله رواداری، مشارکت، رفتار و اعتماد متقابل که در گفتمان گولن مفصل‌بندی شده، ابزارهایی برای توسعه و تأمین جامعه مدنی است (Ugur, 2007: 162). جنبش گولن تصویری از آموزه‌های اسلامی ترسیم می‌کند که بیشتر آن با دیگر مکاتب اسلامی، بویژه در اصول، تفاوتی ندارد و همین، این امکان را به جنبش می‌دهد که میان ایمان و منافع عام و خیر مشترک بشریت و جامعه پلی بزند. گفتمان گولن چند ویژگی دارد که برای پیروانش جذاب است: جنبش گولن یک حلقه باز است؛ با صاحبان اقتدار سازشهای خوبی دارد؛ رویکرد اخلاقی قهری ندارد؛ اخلاقیات و اصول اخلاقی بوسیله نیروهای جنبش تحمیل نمی‌شود. (Ergil, 2012).

گولن می‌کوشد میان سنت و مدرنیته سازش ایجاد کند. به گفته گولن، یک جامعه مدرن سالم سه ویژگی دارد که نیروی تحکیم‌کننده این سه مؤلفه یعنی همبستگی اجتماعی، سخت‌کوشی و بهره‌وری، قدرت دموکراتیک است (Ergil, 2012). گفتمان گولن تا اندازه زیادی بر آزادی اندیشه و دموکراسی استوار است. او می‌گوید: «تاریخ نشان داده است که هیچ ایده‌ای با سرکوب از میان نمی‌رود. بسیاری از امپراتوریها و دولتهای بزرگ ویران شده‌اند، اما اندیشه یا انگاره‌ای که سرشت آن استوار است پایدار می‌ماند... دموکراسی دستخوش و زمینه‌ساز فرایند توسعه قرار می‌گیرد» (Michel, 2012: 34-41). گولن دموکراسی را ابزاری کلیدی برای بهسازی بُعد هویت ملی - اسلامی می‌داند و می‌خواهد گستره کاملی از فرایندهای اجتماعی و سیاسی را که وابسته به زندگی مدرن است در گفتمان خود پوشش دهد. بنابراین، او بر نقش حیاتی بازار، آموزش و رسانه تأکید می‌کند. از دید گولن، یک جامعه ایده‌آل بر دولت نیرومند و بازار نیرومند استوار است و پیش‌فرض آن هم نظام آموزشی توسعه‌یافته‌ای است که در آن آموزش و پرورش و نظام آفرینش الهی، همگام باشند. یکی از راهبردهای گولن، پایه‌گذاری بیش از هزار دبیرستان و دانشگاه در ترکیه، اروپا، جمهوریهای اتحاد جماهیر شوروی پیشین و دیگر نقاط جهان بوده است. این دبیرستانها و دانشگاهها شهرت بسیار در زمینه آموزش علوم انسانی، علوم طبیعی و زبان انگلیسی به دست آورده‌اند. گولن ناسیونالیسم ترکی را با مذهبی بودن اسلامی و آموزش ترکیب می‌کند تا بر سازگاری هویت‌های اسلامی و ترکی تأکید کند (Cesari, 2014: 182-183). او گفتمانی اسلامگرا تولید کرده است که اسلام را سخت به آموزش پیوند دهد؛ رویکردی که می‌توان آنرا «اسلام‌گرایی آموزشی» نام نهاد. گولن به ادعای خود، می‌کوشد به سه هدف عمده برسد: نخست، بالا بردن سطح آگاهی مسلمانان؛ دوم، بازاندیشی در روابط میان علم و دین به منظور رد گفتمانهای نخبگی مبتنی بر ماتریالیسم و پوزیتیویسم؛ و سوم، بازیابی حافظه جمعی از راه بازنگری در قانون مشترک جامعه یعنی اسلام (Yavuz, and Esposito, 2003: 50-57)

گولن با تأکید بر ناسیونالیسم ترکی، بازار آزاد و نقش آموزش، گفتمان خود را از دیگر ایدئولوژیها، گفتمانها و جنبشهای اسلامی جدا کرده است. در این گفتمان استوار بر نوع‌گمانی‌گرایی، اسلام دینی است برای ارتقای هویت ملی ترکیه و همچنین سازگار با بازار اقتصادی

● به باور گولن، اسلام اصول بنیادی زیر را دربرمی‌گیرد: قدرت در راستی نهفته است؛ مردود بودن ایده‌هایی که درستی و راستی را مبتنی بر قدرت می‌داند؛ عدالت و قانون ضرورت دارد؛ آزادی اندیشه و حقوق مربوط به زندگی، دارایی شخصی، فرزندآوری و سلامت (جسمی و روحی) را نمی‌توان نقض کرد؛ باید حریم و امنیت زندگی افراد را بهبود بخشید؛ هیچ‌کس نباید بی‌مدرک متهم به بزهکاری یا به‌خاطر جرم دیگری مجازات شود؛ نظام مشورتی در مدیریت لازم است. از دید گولن، ارزشهای بنیادینی که سده بیست‌ویکم را نشانه‌گذاری می‌کند، چنین است: مدرنیسم، پلورالیسم، فردگرایی و دین.

و هر دو را ترک و مسلمان می‌داند. بنابراین، گولن مفهوم فراگیرتری از هویت دارد که مبتنی بر میراث عثمانی - اسلامی است. گولن با فروکاست اسلام به یک ایدئولوژی سیاسی مخالف است. او، افزون بر این، اسلام عثمانی - شهری را از اسلام عربی - قبیله‌ای جدا می‌کند و شاهان عثمانی و حتا مصطفی کمال را می‌ستاید (Yavuz, 2003b: 196). جنبش گولن همان‌گونه که خواهان حقوق و سیاستهای اقتصادی لیبرال و جذب سرمایه خارجی است، می‌خواهد همزمان ناسیونالیسم ترکی را با ایدئولوژیهای کردی و ترکمنی کانالیزه کند. در این گفتمان، تعریفی نو و فراگیر از هویت اسلامی - ترکی به دست داده می‌شود که همه قومیتها و اقلیتهای ترکیه را دربرمی‌گیرد (Cornell and Karaveli, 2008: 44).

گفتمان گولن دین و علم و سنت و مدرنیته را به هم پیوند می‌دهد؛ این کار با آمیزش معنویت با آموزشهای روشنفکرانه، خرد با وحی، و ذهن و قلب صورت می‌گیرد (Yavuz, 2003a: 20). او نمی‌خواهد گذشته‌ای طلایی را بازسازی کند، بلکه در پی آن است که ارزشهای اصیل سنتی را با ابزارهای مدرنیته دوباره زنده سازد (Yucel, 2010: 7). از دید گولن، رسیدن به عدالت، در گرو فراهم شدن آموزش جهانی مناسب و کافی است. در این صورت است که زمینه رواداری و احترام به حقوق دیگران فراهم می‌شود. او برای دستیابی به این هدف، در گذر سالها، نخبگان اجتماعی، رهبران صاحبان صنایع و بازرگانان را ترغیب کرده تا زمینه‌های آموزش برابر را فراهم کنند (Gulen, 2006: xii).

هدف حفظ یکپارچگی سرزمینهای امپراتوری پدیدار شد: عثمانی‌گرایی، اسلام‌گرایی و ترک‌گرایی. عثمانی‌گرایان بر حقوق و آزادیها و تکالیف سیاسی همسان مسلمانان و غیرمسلمانان تمرکز داشتند. با شکست عثمانی‌گرایی، اسلام‌گرایی بعنوان شیوه‌ای برای حفظ یکپارچگی نمود یافت. اسلام‌گرایانی که دین و ملت را برابر می‌دانستند به طرح این موضوع پرداختند که همه مسلمانان امپراتوری باید بر محور اسلام متحد شوند. پس از اینکه اسلام‌گرایی در ترکیه به موفقیت دست نیافت، ترک‌گرایی پا به میدان گذاشت (Eligür, 2010:39-40); اما این روند نیز در این چند دهه دگرگون شده است. در این چند دهه، قدرت اسلام‌گرایی و اسلام سیاسی در ترکیه رو به افزایش داشته است. پیش از دهه ۱۹۷۰، راست مذهبی تنها یک جریان در احزاب راست میانه بود. در دهه ۱۹۷۰ این جریان بعنوان یک جنبش سیاسی متمایز پدیدار شد که رهبری آنرا نجم‌الدین اربکان، پایه‌گذار جنبش «دیدگاه ملی» (ملی‌گوروش) داشت. پیش از آن احزاب اسلامی از سوی کمالیستهای حاکم زیر نظرهای سخت بودند و در بسیاری موارد توقیف یا تحریم شدند. اسلام‌گرایان پس از انقلاب اسلامی ایران استحکام یافتند و در ۱۹۸۳ اربکان حزب رفاه را بنا نهاد و ایده خود در زمینه ناسیونالیسم اسلامی را تبیین کرد.

پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات گوناگون، نشان‌دهنده قدرت رو به افزایش گفتمان اسلام‌گرایی در ترکیه است. ریاست جمهوری عبدالله گل (که خود از اعضای جماعت گولن بوده) در ۲۰۰۱ به معنای شکسته شدن یک تابوی ترکی بود. او نخستین رئیس دولت برخاسته از حزب محافظه‌کار اسلامی بود. این حزب، اسلام سیاسی به معنای سنتی را رد می‌کند و امروزه بعنوان یک الگوی سازش میان اسلام و دموکراسی غربی شمرده می‌شود. به نظر می‌رسد حزب عدالت و

تازه و میراث عثمانی. بنابراین، گفتمان گولن با دین، میانه‌روی و اقتصاد نئولیبرال سازگار است و مؤلفه‌های هویت ترکی را دربرمی‌گیرد. از دید گولن، گفتمان او در پی بازتعریف مدرنیته است نه نهادینه کردن غرب‌گرایی. جنبش گولن از نظام سرمایه‌داری مدرن همچون ابزاری برای رسیدن به هدفهای خود بهره گرفته و توانسته است شرکتهای پربازدهی برپا کند که از خصوصی‌سازی و اقتصاد مدرن سود ببرند. گفتمان گولن را می‌توان در چارچوب رهیافت گرامشی که فرکلاف و لاکلا و موف آنرا گسترش داده‌اند، بهتر شناخت. آنان صورت تازه‌ای از هژمونی گفتمانی را گسترش داده و سطح مطلوبی از مشروعیت را فراچنگ آورده‌اند. اسلام نظام اعتقادی مرکزی این گفتمان است که نئولیبرالیسم را در این جنبش مشروع می‌کند (Turam, 2012:125).

گولن در پاسخ به این پرسش که چه هویت ترکی را پیش‌بینی می‌کند، می‌گوید: «اکنون که به سده بیست‌ویکم پا می‌نهییم، هویت واقعی ما باید در اعماق تاریخ، در لایه‌های گوناگون تاریخ و همراه با دیگر لایه‌های جهان ترکی جست‌وجو شود. ما باید منابع تاریخی را با فرهنگ شفاهی خود در نظر بگیریم. در این میان اسلام مؤلفه مهمی است. امروزه هر کس به دنبال دین، باورها و هویت‌های خویش در تاریخ است. بنابراین مؤلفه اسلام بی‌چون‌وچرا باید مد نظر قرار گیرد: جهانی ترکی که از سوی آمریکا و اروپا طرد نشود و اندیشه غربی را اتخاذ کند و به ارزشهایی احترام بگذارد که خلاف ذات ریشه‌های هویت آنها نباشد؛ این یک جهان ترکی گسترده‌تر و متفاوت‌تری است که کمک می‌کند تا صلح جهانی پایدار بماند» (Sevindi, 2008: 83).

۵. نسبت‌یابی اسلام‌گرایی فرهنگی گولن و گفتمان

اسلام‌گرایی هژمون در ترکیه کنونی

خیزش اسلام سیاسی در ترکیه، ریشه در اصلاحات در واپسین سالهای دوران عثمانی و ماهیت دگرگونیهای سیاسی پس از پایه‌گذاری جمهوری ترکیه به‌دست مصطفی کمال آتاتورک در ۱۹۲۳ دارد. کوشش آتاتورک در دگرگون کردن ترکیه به دولتی مدرن، غربی و سکولار و حتا لائیک، انقلابی از بالا بود. بنیاد کردن نظام چند حزبی در ۱۹۴۶ مرحله مهمی در خیزش اسلام سیاسی در ترکیه به‌شمار می‌رود؛ با برقراری این نظام، حزب کمالیسم انحصار خود را در قدرت از دست داد (Rabasa, and Larrabee, 2008: 31-35). در یک نگاه کلان، پس از سرنگونی امپراتوری عثمانی سه ایده با

● گفتمان گولن گفتمانی توسعه‌گراست. در این اندیشه میان مبانی سنتی اسلامی و مبادی و مفاهیم غربی پیوند برقرار می‌شود. گرچه نقطه عزیمت و کانون توجه گولن ترکیه است، ولی او آگاهانه یا ناآگاهانه در مسیر طراحی الگو و ایده‌ای جهانی و فراملی قرار گرفته است. گولن بیشتر بعنوان یک آرمان‌گرای اصیل شناخته می‌شود که گفتمانش بیشتر بر معنویت، ارزشها و دغدغه‌ها استوار است تا بر قدرت سیاسی.

بوده است. او دیدگاه خود دربارهٔ پان‌اسلامیسم را پس از ۲۰۰۲ و انتخاب شدن بعنوان مشاور در زمینه سیاست خارجی برای حزب عدالت و توسعه انضمامی‌تر کرد (Özkan, 2014:109).

داوداغلو در گفت‌وگو با عثمانی‌گرایی خود بر آن است که ترکیه باید نگاهی به گذشته داشته باشد و ارزشها و نهادهای اسلامی را بپذیرد. برپایهٔ اندیشه داوداغلو، کشورهایی که پس از نابودی امپراتوری عثمانی برپا شده‌اند موجودیتهایی ساختگی هستند. ترکیه باید روشی در پیش گیرد که یکپارچگی فرهنگی و اقتصادی جهان اسلام محقق شود و ترکیه آنرا رهبری کند. بنابراین ترکیه باید بر مناطق قفقاز، بالکان و خاورمیانه هژمونی اقتصادی یابد و گرنه همان ملت - دولت متنازعی باقی خواهد ماند که با خطر فروپاشی روبه‌رو است. منتقدان، رویکرد داوداغلو را نوع‌ثانی‌گرایی می‌نامند که آمیزه‌ای از سلطه‌جویی و اسلام‌گرایی است و محور اصلی سیاست خارجی ترکیه را از بردار شرق - غرب (که از ترکیه و از راه ناتو / اتحادیه اروپا به ایالات متحده گسترش می‌یابد) به محور شمال - جنوب (که از روسیه تا ایران و دیگر همسایگان مسلمان ترکیه دامنه دارد) تغییر می‌دهد. داوداغلو می‌گوید روابط ترکیه و کشورهای همسایه، فراتر از نوستالژی پساامپراتوری نیست، بلکه این روابط برآیند مؤلفه‌های گریزناپذیر تاریخی و جغرافیایی است که مجموعه‌ای از روابط میان ترکیه و کشورهای برآمده از امپراتوری عثمانی را دیکته می‌کند. نوع‌ثانی‌گرایی، موضوع برجسته‌ای در مباحث دو دهه گذشته در ترکیه بوده است. البته برخی کسان برآنند که داوداغلو از آموزه نوع‌ثانی‌گرایی پشتیبانی نمی‌کند. در این خوانش، عثمانی‌گرایی در دهه ۱۸۲۰ هویدا شده و هدف آن حفظ امپراتوری عثمانی از دو راه بوده است: نخست غربی‌سازی کشور و تبدیل کردن آن به بخشی از اروپا، و دوم کنار گذاشتن جایگاه چیره مسلمانان در یک نظام ملی و یکپارچه کردن جوامع غیرمسلمان در دولت و جلوگیری از پیدایی جنبشهای ناسیونالیست قومی. داوداغلو، هم با عثمانی‌گرایی نسبت به غربی شدن و هم حذف آن از جایگاهی که هویت اسلامی از آن بهره می‌برد مخالف است. او با تأکید بر شکست عثمانی‌گرایی برای پیش‌گیری از فروپاشی امپراتوری عثمانی، در پی آن است تا به اسلام‌گرایی دوران عبدالحمید دوم پهلو بزند. دیدگاه داوداغلو بر آن است که اسلام‌گرایی در دوران عبدالحمید از فروپاشی امپراتوری عثمانی جلوگیری کرد؛ تنها ایدئولوژی نیز

توسعه بهترین نمونه از تبلور مفهوم «پسااسلام‌گرایی» است که آصف بیات در ۱۹۹۶ مطرح کرد. این مفهوم به اوضاعی اجتماعی و سیاسی اشاره دارد که در آنها بازاندیشی دربارهٔ پروژه اسلام‌گرایی رخ می‌دهد و به تأکید بر حقوق به‌جای وظایف، اقتدار پلورالیستی به‌جای فردی، تاریخ‌گرایی به‌جای کتاب مقدس و آینده به‌جای گذشته می‌انجامد. از دید آصف بیات، پسااسلام‌گرایی فرایند شبه سکولارسازی و چیزی میان اسلام‌گرایی و سکولاریسم است. بواقع، پسااسلام‌گرایی در ردّ اسلام سیاسی سنتی است زیرا خواهان برپایی دولت اسلامی نیست. احسان‌دوگی نیز واژه «سازگاری» را برای توضیح دگرگونی اسلام‌گرایی ترکی به سبک حزب عدالت و توسعه به‌کار می‌گیرد. او همانند شماری از ناظران که شکست اسلام‌گرایی را تأیید نمی‌کنند، می‌گوید که در مورد ترکیه، پسااسلام‌گرایی نه به علت شکست اسلام‌گرایی، که به علت سازگاری آن پدیدار شده است (Bayat, 2013: 25,26) و (Bokhari and Senzai, 2013:182-183). عبدالله گل می‌گوید سیاست اسلامی در ترکیه کوششی بوده است تا هویت اسلامی را با آزاد کردن آن از تفسیرهای سنتی و به چالش کشیدن نیروهایی همچون مدرنیسم، تغییر نام دهد و بازسازی کند (Hendrick, 2013:16). از دید اردوغان نیز اسلام منبع هویت، شبکه‌ای از بسیج اجتماعی و گونه‌ای سرمایه معنوی است که می‌توان آنرا در پهنه سیاسی به‌کار بست (Yavuz, 2009:127). احمد داوداغلو ایدهٔ پان‌اسلامیسم کنونی را در کار خود بعنوان یک عنصر دانشگاهی در سالهای ۲۰۰۲-۱۹۸۶ طراحی و تئوریزه کرد. از دید داوداغلو، پایان جنگ سرد برای ترکیه فرصتی تاریخی پدید آورد تا به قدرتی جهانی تبدیل شود؛ و این، در پرتو گسترش سیاست خارجی مبتنی بر اسلام‌گرایی

● گولن پیش و بیش از هر چیز یک ناسیونالیست ترک - عثمانی است. در کارنامه او پشتیبانی از ناسیونالیست‌هایی همچون آلباسلان تکش، محسن یازیچی، مراد دولت باغچی و... دیده می‌شود. ناسیونالیسم ترکی و نوع‌ثانی‌گرایی او، امری فراگیر و مبتنی بر تاریخ و تجارب مشترک و موافقت با زیست مشترک در یک جامعه ملی و نه استوار بر خون و نژاد است. اندیشه گولن در این حوزه، میان ناسیونالیسم، انترناسیونالیسم و زنده کردن امپراتوری عثمانی در نوسان است.

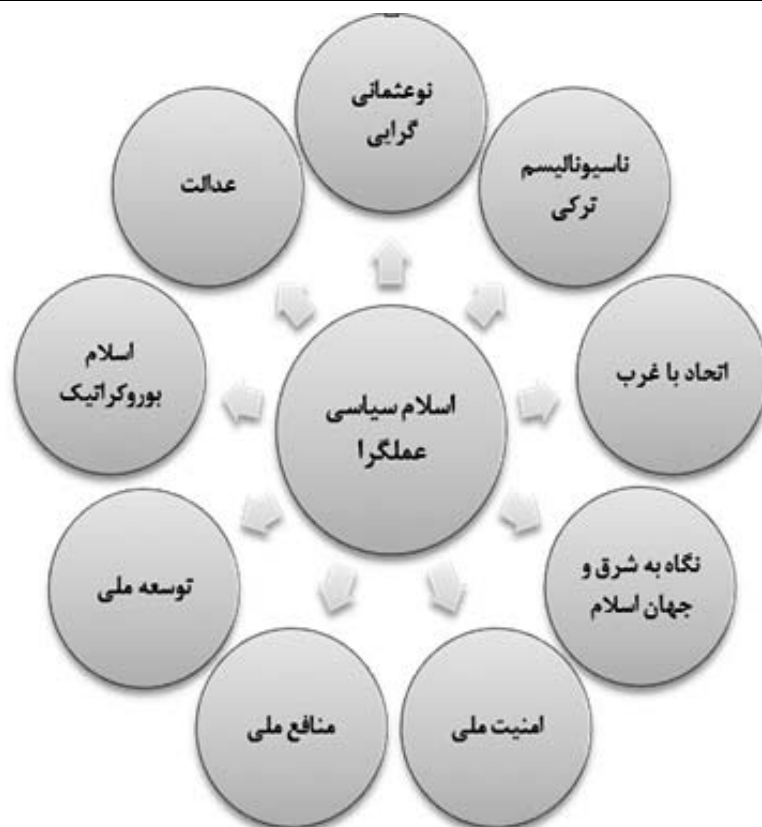
● گولن با تأکید بر ناسیونالیسم ترکی، بازار آزاد و نقش آموزش، گفتمان خود را از دیگر ایدئولوژیها، گفتمانها و جنبشهای اسلامی جدا کرده است. در این گفتمان استوار بر نوعثمانی‌گرایی، اسلام دینی است برای ارتقای هویت ملی ترکیه و همچنین سازگار با بازار اقتصادی تازه و میراث عثمانی. بنابراین، گفتمان گولن با دین، میانه‌روی و اقتصاد نئولیبرال سازگار است و مؤلفه‌های هویت ترکی را دربرمی‌گیرد.

سکولاریسم، ناسیونالیسم ترکی و دموکراسی نمایانگر یک گفتمان اسلامی متفاوت است که از آن به «اسلام مدنی» تعبیر می‌شود. مفهوم اسلام مدنی در تقابل با انگاره‌های اسلام سیاسی و رادیکال، مفهومی مهم شناخته شده است. گولن می‌کوشید سنت و مدرنیته، و علم و دین را به هم بیامیزد. رویکرد گولن بویژه از راه نسبت‌یابی و دگرسازی با گفتمانهای سکولاریسم و اسلام سیاسی، گسترش یافت (Barton, Weller, and Yilmaz, 2013).

که ترکیه را به رهبر خاورمیانه در دوران پساجنگ سرد تبدیل می‌کند، همان است (Dressler, 2015:20 و Gerges, 2014:31).

خیزش حزب عدالت و توسعه، گویای تحول اسلامگرایی در ترکیه و امکان‌پذیری سازش میان اسلام و دموکراسی بود. این حزب گونه‌ای از اسلامگرایی را نشان می‌دهد که مدعی است با دموکراسی در کشوری که مهمترین برنامه‌های سکولارسازی رادیکال را در جهان اسلام اجرا می‌کرده، سازگار است. برای بسیاری از لیبرالهای عرب، میانه‌روی این حزب راه سومی میان اقتدارطلبی سکولار حکومتها و اسلامگرایی شمرده می‌شود. اصطلاح «الگوی ترکی» به الگویی از توسعه و حکومت در ترکیه اشاره دارد که ویژگیهای آن سکولاریسم در جامعه اسلامی، اقتصاد بازار، مشارکت با غرب، و نظام چند حزبی است. از این نگاه، ترکیه با درآمیختن عناصری از مدرنیسم و اسلامگرایی، بر آن بوده است که الگویی از «حکمرانی خوب» به دست دهد (Rubin, 2014:123 و Aydın-Düzgüt, 2013: 233-234). دیدگاه گولن دربارهٔ شریعت حداقلی، لیبرالیسم،

نمودار (۲): سامانه نشانه شناختی گفتمان اسلامگرایی حزب عدالت و توسعه



● داوداغلو ایده پاناسلامیسم کنونی را در کار خود بعنوان یک عنصر دانشگاهی در سالهای ۲۰۰۲-۱۹۸۶ طراحی و تئوریزه کرد. از دید داوداغلو، پایان جنگ سرد برای ترکیه فرصتی تاریخی پدید آورد تا به قدرتی جهانی تبدیل شود؛ و این، در پرتو گسترش سیاست خارجی مبتنی بر اسلامگرایی بوده است.

(Seufert, 2014: 14 و 4-96). ارتباط میان گولن و دولت همواره مبتنی بر رمزگانی از منافع، قدرت و مشروعیت دوسویه بوده است. اردوغان به اعضای حزب خود گفت که یکی از مهمترین علل انتخاب داوداغلو بعنوان جانشین او، تصمیم به جنگ با «دولت موازی» و «دولت در درون دولت» بوده است؛ که این، اشاره به جنبش گولن دارد که متهم به توطئه برضد حکومت شده است؛ گرچه همو چندی بعد رسماً از گولن برای بازگشت به ترکیه دعوت کرد که البته گولن این دعوت را محترمانه نپذیرفت. داوداغلو نیز در دوران وزارت امور خارجه و پس از آن در دوران نخست‌وزیری کوشید زمینه دوستی و گفت‌وگو با جنبش هزمت گولن را فراهم کند، ولی این روابط رو به تیرگی نهاده است.

گولن برخلاف حزب عدالت و توسعه می‌خواهد که اسلام ترکی اسلامی عربی - اسلامی به شیوه اخوان المسلمین را به حاشیه براند. یکی از تفاوت‌های مهم ایدئولوژیک میان حزب عدالت و توسعه و گولنی‌ها به سیاست و نقش و جایگاه دولت اسلامی مربوط می‌شود. سنت گولنی برخلاف گفتمان اخوان المسلمین و حزب عدالت و توسعه می‌خواهد از سیاست و احزاب سیاسی دور باشد. گفتمان گولن تنها اسلام فرهنگی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد، درحالی‌که اخوان المسلمین جنبشی اسلامی - سیاسی است که با خوانشی بروکراتیک و عملگرا از شریعت، می‌خواهد دولتی اسلامی، البته نه به آن صورت که در اسلام سیاسی سنتی مطرح بوده است، برپا کند. گرچه جنبش گولن به‌گونه رسمی به حزبی سیاسی وابسته نیست، اما بیشتر نیروهای دستگاه حکومتی حزب عدالت و توسعه را تأمین کرده است. بدنه اداری دولت نیز رفته‌رفته به جماعت گولن متکی شده است (Cornell and Karaveli, 2008: 29). هواداران گولن با هواداران حزب حاکم عدالت و توسعه در موارد بسیار همپوشانی دارند. به‌گفته منتقدان، جنبش گولن در چارچوب روابط صمیمانه با رهبران حزب، جز در برخی موارد مانند

بحرانهای مربوط به حادثه میدان تقسیم و پارک گزی، فساد مالی در دولت و...، به‌دنبال کسب امتیاز و مقام بوده است. جنبش گولن و حزب عدالت و توسعه در دو زمینه سیاسی مهم توافق نظر دارند: نخست، همگرایی با محیط بین‌الملل در برابر جدایی‌طلبی است. هر دو از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا حمایت می‌کنند و پشتیبان بخش خصوصی بویژه طبقه تجاری جدید و تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر هستند. دوم، تعهد لفظی حزب عدالت و توسعه در به‌کار گرفتن اقلیتهای مذهبی در جامعه ترکیه است که همسو با تأکید گولن بر گفت‌وگوی بین‌الادیانی است (Albright, Hadley and Cook, 2012: 58).

۶. اسلامگرایی فرهنگی گولن و قدرت نرم ترکیه

جنبش گولن اشتراکات بسیاری با ابتکارات غربی، مسیحی و بشردوستانه در زمینه آموزش و فرهنگ سه سده اخیر، بویژه در آمریکا دارد و نمی‌توان آنرا تنها محدود به جهان اسلام دانست (Barton, 2007: 650). این جنبش بازیگری فراملی و بین‌المللی شده است که از راه برنامه‌های آموزشی و فرهنگی کار می‌کند. در دیدگاههای مخالف جهانی شدن، گولن در زمینه گفتمان اسلامی پلورالیستی یک وزنه است. دیدگاه او پلی میان امور سنتی، مدرن و پسامدرن، جهانی و بومی است و نه تنها اثر شایان توجهی بر مباحث امروزی دارد که شاید در آینده نیز بر نظرات مسلمانان و غیرمسلمانان اثر گذارد.

امروزه جنبش گولن، به‌صورت یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم در ترکیه پدیدار شده است (Park, 2007: 54). گولن از اهمیت دانش و آموزش سخن می‌گوید که اگر به درستی پیش برده شود می‌تواند بسیاری از برخوردهای تمدنی و هویتی را از میان بردارد. او دانش و قدرت را همراستا می‌داند و می‌گوید در آینده، همه چیز در مدار دانش خواهد بود. پاسخ قطعی او به تئوری برخورد تمدنها سه مؤلفه را دربرمی‌گیرد: رواداری، گفت‌وگوی بین‌الادیانی و بین‌فرهنگی و محبت. راهکار پیشنهادی گولن در زمینه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و گفت‌وگو، به پایه‌گذاری نهادهایی تازه انجامیده است که در میان آنها می‌توان از «جامعه گفت‌وگو» در لندن یا «اجتماع رومی» بنیاد الهام گرفته از مولانا» در واشنگتن یاد کرد (Yilmaz, 2010: 122-123). جنبش گولن در طراحی برنامه‌ها و نشانگانی که اجتماعات قومی - مذهبی متفاوت را کنار هم قرار می‌دهد (بعنوان نخستین گام به‌سوی

ترکیه را به علت نداشتن یک راهبرد بلندمدت در راستای یکپارچه شدن با آسیای میانه مورد انتقاد قرار می‌دهد و از دولت می‌خواهد سازمانهای غیر دولتی را در پایه‌گذاری مدارس و درمانگاهها در آن منطقه پشتیبانی کند. گولن بر این باور است که می‌تواند ویژگیهای سیاسی-اجتماعی ترکیه را با تواناییهای سازمانی خود در زمینه آموزش و رسانه پیوند دهد. او آشکارا اعلام می‌کند که این جنبش اکنون از دوران درونی‌سازی به دوران برونی‌سازی و بین‌المللی کردن گفتمان خود رسیده است. مدرسه‌ها و گروههای فرهنگی و تجاری ترکیه که در راستای جنبش گولن که در سراسر جهان پایه‌گذاری شده، بر گسترش جهان‌بینی ترکی-اسلامی تمرکز دارد. این قدرت نرم تازه بیش از هر چیز در آسیای جنوبی و مرکزی بازتاب یافته است. گولن می‌گوید: «ترکیه دولتی... است که دموکراسی برقراری دارد یا دست‌کم دموکراسی آن در مسیر درست برقراری است. امروزه به جای اینکه در پی رویکردازبیهای ناممکن اتحاد با مردمان و کشورهایی باشیم که خود را مسلمان‌تر از ما می‌دانند و به ما به دیدهٔ حقارت می‌نگرند، باید به سوی کسانی برویم که ما را خواهند پذیرفت، سالهای سال سرکوب شده‌اند و به هرصورت به ما نزدیکتر بوده‌اند. در آینده، آسیا به مرکز توجه دیگران تبدیل خواهد شد. ما این کار را با کسانی که دوست داریم آغاز کرده‌ایم و بر این باوریم که سرمایه‌گذاری به نام فرهنگ متمایز و آموزش بیهوده نخواهد بود» (Sevindi, 2008: 89-90).

گولن، برعکس بسیاری از رهبران دینی ترکیه، با پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا مخالفت نکرده است. از دید او عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا در صلح جهانی

● **داوداغلو در گفتمان نوعثمانی‌گرایی خود بر آن است که ترکیه باید نگاهی به گذشته داشته باشد و ارزشها و نهادهای اسلامی را بپذیرد. برپایهٔ اندیشه داوداغلو، کشورهایی که پس از نابودی امپراتوری عثمانی برپا شده‌اند موجودیتهایی ساختگی هستند. ترکیه باید روشی در پیش گیرد که یکپارچگی فرهنگی و اقتصادی جهان اسلام محقق شود و ترکیه آنرا رهبری کند. بنابراین ترکیه باید بر مناطق قفقاز، بالکان و خاورمیانه هژمونی اقتصادی یابد وگرنه همان ملت - دولت متنازعی باقی خواهد ماند که با خطر فروپاشی روبه‌رو است.**

جامعه مدنی جهانی) موفق بوده است؛ مسائل مشترک پیش‌روی اجتماعات قومی - مذهبی متفاوت شناسایی و کوششهایی پیوسته برای حل این مسائل شده است تا هدفهایی که جامعه را بعنوان یک کل می‌سازد، همراستا و برآورده شود. مدرسه‌های گولن دانش‌آموزان مسیحی و مسلمان را زیر یک سقف می‌برد. جنبش گولن در درگیریها و کشمکشها شرکت نمی‌کند، بلکه می‌کوشد زمینه‌های اشتراک را بیابد. این جنبش بر آن است که جهان ترک را بر پایه یکپارچگی فرهنگی، مدرنیته و اسلام سامان دهد و وجههٔ مثبت بیرونی ترکیه را بهبود بخشد و مدعی است که می‌تواند به جهان اسلام الگویی در دسترس‌تر، دارای اعتبار بیشتر و کارا تر برای توسعه و دموکراسی‌سازی ارائه دهد (Park, 2007: 59).

گفت‌وگو، صلح، رواداری، شفقت و بخشش مؤلفه‌های کلیدی پیوستگی اجتماعی در گفتمان و جنبش گولن هستند (Çelik, 2008:81). آموزه‌های گولن بر نیاز به ایجاد پلی میان مسلمانان جهان و غرب و نیز اهمیت ترکیب پیشرفتهای علمی و فناورانه در جهان اسلام متمرکز است. گولن می‌گوید همچنان که ترکها چند سده نقش دینی و فرهنگی برجسته‌ای در حکومت عثمانی بازی کردند، ترکیه کنونی نیز می‌تواند جهان اسلام را با تأکید بر رواداری، گفت‌وگو، علم و آموزش هدایت کند. گولن در کنار این باور که تنها یک اسلام موثق وجود دارد که مبتنی بر قرآن و سنت پیامبر است، به تفاوت‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی در تفسیر اسلام در جهان مدرن نیز توجه دارد. او بازگشت به خلافت را تأیید نمی‌کند، اما بر ارزشهای فرهنگی مهم و رفتار عثمانیها، البته مطابق خوانش خودش، تمرکز دارد: روحیه گفت‌وگو؛ این واقعیت که دولت عثمانی چندزبانی، چند قومی و چند دینی بوده؛ احترام به زنان؛ برقراری روابط حسنه فرهنگی و نجبگی میان جامعه عثمانی و غرب (Fuchs Ebaugh, 2010:33). گولن با هرگونه خشونت، بنیادگرایی کنش‌گرا و تروریسم سخت مخالف است و فقه‌التکفیر را محکوم می‌کند. از دید گولن یک مسلمان نمی‌تواند تروریست باشد و یک تروریست نمی‌تواند مسلمان واقعی باشد؛ زیرا اسلام کشتار غیرنظامیان، کودکان، کهنسالان، زنان و چهره‌های دینی را حتماً اگر دلیلی توجیه‌پذیر داشته باشد، منع می‌کند (Gülen, 2002:95).

یکی از هدفهای اصلی گولن ایجاد یک ترکیه نیرومند از راه سازماندهی اجتماعات با نفوذ در بالکان یا دولتهای ترکی در آسیای میانه است. او آشکارا دولت

(نسخه ترکی) مورد نقد قرار می‌گیرد، در حالی که همزمان خطری اسلامی دانسته می‌شود که می‌کوشد دولت اسلامی ضدآمریکایی و ضد یهودی برپا کند (نسخه آمریکایی)؟» (Turker, 2009).

بسیاری کسان گولن را فردی جاه‌طلب و جنبش وی را حرکتی انحرافی و استوار بر برداشتی سطحی، حداقلی و التقاطی از شریعت اسلام می‌دانند که می‌خواهد به هر قیمت گفتمان خود را در جهان پسامدرن کنونی مشروعیت بخشد. منتقدان گولن بر آنند که چنگ زدن گولن به فرهنگ و آموزش، پوششی است برای برنامه بلندمدت وی در راستای راه‌اندازی گفتمانی التقاطی برای تثبیت و نهادینه کردن مفهوم نوع‌ثمنی‌گرایی (یا حتاً غرب‌گرایی و سکولاریسم). میز یکی از مخالفان گولن می‌نویسد: «گولن رویای حکومت بر جهان را دارد، بنابراین گولنیست‌ها دین را به‌مثابه قدرت نرم در روابط بین‌الملل به‌کار می‌گیرند و تشنه قدرت باقی می‌مانند و این استراتژی را دارند که نه تنها ترکیه که کل جهان را زیر حکومت خود درآورند. از آنجا که گولن حکومت جهانی می‌خواهد، اعضای جنبش در سطح جهانی فعالیت‌های سیاسی می‌کنند و تاکتیک‌هایی برای تغییر ساختارها دارند. در پی تغییر الگوهای روابط بین‌الملل، دیپلماسی مبتنی بر دین، اتحاد تمدنی و مراکز فرهنگی پدیدار شدند. از دید من، یکی از رویاهای گولن این است که ببیند اکثریت اعضای سازمان ملل متحد از او پیروی می‌کنند و ایده‌های او را می‌پذیرند» (Koc, 2011:53).

گولن به هواداری از آمریکا متهم می‌شود و دلیل آن محکوم نکردن سیاست تبعیض‌آمیز و خاورمیانه‌ای آمریکا است. او همچنین به‌خاطر محکوم کردن عملیات بمب‌گذاری انتحاری گروه‌های اسلامی و محکوم نکردن اسرائیل و نقض حقوق بشر از سوی غربیها مورد انتقاد است. از دید مخالفان، هدف واقعی گولن در تقویت روابط با جامعه یهودیان و نمایندگان اسرائیل در ترکیه می‌تواند تلاش برای ایجاد صلح و سازشی جهانی باشد که در آن اسرائیل نقشی بالادستی بازی کند (Aviv, 2010: 109). برخی کسان از گولن بعنوان یک یهودی مخفی یا عامل نفوذی پاپ که اسلام را تخریب می‌کند و توده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یاد می‌کنند. از سوی دیگر، گروه‌های مذهبی ضد سکولاریسم ادعا می‌کنند که گولن مخالف برپا شدن خلافت یا حتاً دولت اسلامی است. برخی گروه‌های رادیکال حتا او را به کفر متهم می‌کنند. آنها فعالیت‌های بین‌الدیانی او را بیش از آنکه روح‌دهنده

مؤثر خواهد بود و مانع برخورد تمدن‌ها می‌شود. او غرب را همچون یک منظومه می‌بیند که باید با آن رقابت کرد، نه یک دشمن که با آن مقابله شود. گولن بر این باور است که ترکیه نیاز به افزایش قدرت اقتصادی دارد و راهکار، بهره‌گیری از الگوی غربی است. وی می‌کوشد روابطی صلح‌آمیز با حکومت، ارتش، رسانه، گروه‌های سیاسی، دینی و اجتماعی برقرار سازد (Yücel, 2010:9). جنبش گولن بازیگر فراملی بزرگی است که بخشی از قدرت نرم ترکیه از راه برنامه‌های آموزشی، رسانه‌ای و تجاری آن محقق می‌شود. از دید گولن، امروزه گفت‌وگوی بین‌الدیانی و میان‌فرهنگی نخستین گام لازم در برقراری سازش، چشم‌پوشی از مباحث جدل‌آمیز و اولویت دادن به نقاط مشترکی است که بیش از نقاط مورد اختلاف است. او به این نکته توجه دارد که گفت‌وگو نه تنها لازمه مدرنیته است، بلکه قرآن نیز مسلمانان را فرا می‌خواند تا با پیروان دیگر ادیان گفت‌وگو کنند و به پیامبران پیشین و کتاب‌های آسمانی آنان احترام بگذارند. از دید گولن، هم مسلمانان و هم غیرمسلمانان مسئول بی‌ثباتی جهانی امروز هستند.

۷. نقد و بررسی گفتمان گولن

گفتمان گولن چه در پهنه نظری و چه از دید عملی با انتقادهای بسیار روبه‌رو شده است. گولن همزمان هم بعنوان یک خطر اسلامی معرفی شده که پنهانی می‌کوشد امپراتوری و خلافت عثمانی را دوباره زنده کند، هم دست‌نشانده آمریکا و صهیونیسم معرفی شده که ترکیه و اسلام راستین را با خوانش سکولار و سطحی خود از شریعت اسلامی تخریب می‌کند (Koc, 2011:207). ترکر می‌گوید: «این پرسش ذهن را به خود مشغول می‌کند که چگونه این انتقادهای می‌تواند تا این اندازه متناقض باشد، در حالی که همگی از یک منبع بهره می‌گیرد. چگونه است که گولن بعنوان دست‌نشانده آمریکا و صهیونیسم

● منتقدان، رویکرد داوداغلو را نوع‌ثمنی‌گرایی می‌نامند که آمیزه‌ای از سلطه‌جویی و اسلام‌گرایی است و محور اصلی سیاست خارجی ترکیه را از بردار شرق - غرب (که از ترکیه و از راه ناتو / اتحادیه اروپا به ایالات متحده گسترش می‌یابد) به محور شمال - جنوب (که از روسیه تا ایران و دیگر همسایگان مسلمان ترکیه دامنه دارد) تغییر می‌دهد.

• اصطلاح «الگوی ترکی» به الگویی از توسعه و حکومت در ترکیه اشاره دارد که ویژگیهای آن سکولاریسم در جامعه اسلامی، اقتصاد بازار، مشارکت با غرب، و نظام چند حزبی است. از این نگاه، ترکیه با درآمیختن عناصری از مدرنیسم و اسلامگرایی، بر آن بوده است که الگویی از «حکمرانی خوب» به دست دهد.

میان‌ه‌رو، صوفی‌گری، ناسیونالیسم ترکی، نوع‌ثمنی‌گرایی، سکولاریسم و لیبرالیسم غربی. او می‌کوشد راهی میان اسلام سیاسی سنتی، کمالیست‌های تندرو و جریان لیبرال - لاییک بگشاید. گولن به همان اندازه که با اسلام سیاسی، سلفی و رادیکال مخالفت می‌کند، منتقد لایسیته و لیبرالیسم نامعتدل است. سست شدن بحث شریعت و دولت اسلامی در گفتمان گولن امری جدی است. اسلام مورد نظر گولن بیش از هر چیز صورتی فردی، درونی و اشرافی دارد که در چارچوب سنت خدمت یا همان هزمت، تعیین اجتماعی نیز می‌یابد. گفتمان او، برخلاف گروه‌هایی همانند اخوان المسلمین، نسبتی با تشکیل و سازماندهی دولت اسلامی ندارد. در برابر این مفهوم، او به دنبال تثویز کردن همگرایی فرهنگی - هویتی است. گولن چنانکه خود نیز مدعی است، در پی راه‌اندازی گفتمان اسلامی - ترکی در برابر خوانش اسلامی - عربی و حتا شیعی - ایرانی است. در این گفتمان، اسلامگرایی، ناسیونالیسم ترکی، نوع‌ثمنی‌گرایی، سکولاریسم و لیبرالیسم به هم پیوند می‌خورند. اندیشه گولن استوار بر برداشتی تلفیقی از نسبت سنت و مدرنیسم، در سایه ملاحظاتی تاریخی، مبانی اخلاقی - هویتی و مصالح و منافع کنونی و به دنبال احصای هویت، امنیت و منافع ملی - اسلامی ترکیه است. در این میان، بحث اتحاد و توسعه ملی به گونه‌ای جدی مورد توجه است. گفتمان وی نشانه‌هایی از گونه‌ای پروتستان‌تیسیم اسلامی دارد که در آن اصالت اخلاق، آموزش، کار و تلاش و سرمایه مورد نظر است.

اگر اردوغان، داوداغلو و حزب عدالت و توسعه را وارث نجم‌الدین اربکان بعنوان پدر اسلام سیاسی ترکیه بدانیم، گولن را نیز باید میراث‌دار بدیع‌الزمان نوری برجسته‌ترین نواندیش دینی بدانیم که اسلامگرایی فرهنگی - هویتی میان‌ه‌رو و معتدل را تثویز کرده است. وی در هر حوزه به بازخوانی مفاهیم پرداخته و رابطه انتساب دالها و مدلولها و مصادیق را به گونه بنیادی

دین بدانند مصالحه‌جویانه و التقاطی می‌شمارند (Yucel, 2010:11). پویراز ادعا می‌کند که دانش گولن از اسلام اندک است؛ گولن حتا مبانی اساسی دین مانند اصول نماز را نمی‌داند و هیچ دانشی درباره مذاهب اسلامی و پیشوایان آنها ندارد. سنوقلو و بالات یادآور می‌شوند که گولن فتوایی دارد مبنی بر اینکه نام پیامبر اسلام (ص) از شهادت حذف شود. حکمت چتین‌کایا یکی از سرسخت‌ترین دشمنان گولن در نوشته‌های خود به گونه‌ای ویژه گولن را دست‌نشانده آمریکا معرفی می‌کند (Koc, 2011: 190-201). میتزل که نوشته‌های بسیار درباره گولن و جنبش گولن دارد و در بیشتر آنها گولن را بدنام کرده، در یکی از آثار خود می‌نویسد گولن بر این باور است که چون امپراتوری عثمانی چند سده بر جهان حکومت کرده، او نیز می‌تواند آنرا دوباره بازگرداند. گولن با ایجاد لایبهای بزرگ، به سمت هدف غایی خود یعنی دیکته کردن این ایده به سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی غربی و آمریکایی پیش می‌رود. او همچنین هزاران آموزگار و میلیون‌ها دانش‌آموز را به کار می‌گیرد درحالی که میلیاردها دلار کمک مالی نیز دریافت می‌کند (Mitzell, 2008). گولدمن نیز با میتزل موافق است و ادعا می‌کند که دیدگاه گولن از اسلام میان‌ه‌رو دیدگاهی جادویی و مرموز است که در آن باور به بازگشت خلافت پان‌ترکی وجود دارد. او همچنین می‌گوید که گولن یک دشمن (جادوگر قبیله) و بازمانده پیشاتاریخی است که در فرهنگ کهربایی آناتولی شرقی حفظ شده و در جهان اسرارآمیز جن‌ها به سر می‌برد. گلدمن، گولن را افسونگری می‌خواند که دانش را گونه نیرومندی از جادو می‌داند که ترکها باید از آن بهره گیرند تا قدرت خود را افزایش دهند (Goldman, 2010).

شماری دیگر از مخالفان گولن، او را همچون خطری اسلامی برای جهان غرب معرفی می‌کنند که می‌کوشد خلافت اسلامی را با بهره‌گیری تقیه مذهبی - فتوایی پایه‌گذاری کند. برپایه این سخنان، گولن فردی ضد غربی و ضد یهودی است. بسیاری از آنان می‌گویند درحالی‌که گولن رواداری و گفت‌وگوی بین‌الادیانی را رواج می‌دهد، خلافت را به صورت پنهانی پی‌ریزی می‌کند (Koc, 2011:191).

بهره سخنان:

فتح‌الله گولن را باید برجسته‌ترین جانشین بدیع‌الزمان نوری و رهبر نوگرای جنبش نوری دانست. گفتمان سیاسی گولن آمیزه‌ای است از اسلام

- Barton, Greg Paul Weller, and Ihsan Yilmaz (2013) **The Muslim World and Politics in Transition: Creative Contributions of the Gulen Movement**, London/ New York: Bloomsbury Publishing.
- Bayat, Asef (2013) **Post-Islamism: The changing Faces of Political Islam**, Oxford: Oxford University Press.
- Bokhari, Kamran and Farid Senzai (2013) **Political Islam in the Age of Democratization**, New York, Palgrave Macmillan.
- Çelik, Gürkan (2008) **The Gülen Movement: Building Social Cohesion Through Dialogue and Education**, Netherlands: Eburon Academic Publishers.
- Cesari, Jocelyne (2014) **The Awakening of Muslim Democracy: Religion, Modernity, and the State**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Chung-wen, Hsuan (2013) **An Overview of the Hizmet Movement: A Worldwide Social Movement Founded on the Theories of Fethullah Gülen**, ISSN .g 2227g 2062
- Cornell, Svante E. and Halil Magnus Karaveli (2008) **Prospects for a 'Torn' Turkey: A Secular and Unitary Future?**, Central Asia-Caucasus Institute Skill Road Paper.
- De Gregorio Godeo, Eduardo (2006) **Critical Discourse Analysis as an Amalitical Resource for Cultural Studies: Exploring the Discursive Construction of Subject Positions in British Men's Magazines' Problem Pages**, Revista Alicantina de Estudios Ingleses.
- Dressler, Markus (2015) **Writing Religion: The Making of Turkish Alevi Islam**, Oxford: Oxford University Press.
- Eligür, Banu (2010) **The Mobilization of Political Islam in Turkey**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Ergil, Doğu (2012) **Fethullah Gülen-The Gülen Movement in 100 Questions**, New York: Bue Dome Press.
- Fairclough, Norman (1989) **Language and Power**, London: Longman.
- Fairclough, Norman (1995) **Critical Discourse Analysis: the Critical Study of Language**. London: Longman.
- Fairclough, Norman (2003) **Analysing Discourse; Textual Analysis for Social Research**, London: Routledge.
- Fairclough, Norman (2007) **Language and Globalization**, Oxon: Routledge.
- Fairclough, Norman and Ruth Wodak (1997) "Critical discourse analysis". In T. van Dijk, ed., **Discourse as Social Interaction**. London: Sage.
- Fuchs Ebaugh, Helen Rose (2010) **The Gülen Movement: A Sociological Analysis of a Civic Movement Rooted in Moderate Islam**, London/ New York: Springer.
- Gerges, Fawaz A. (2014) **The New Middle East: Protest and Revolution in The Arab World**,

متفاوت کرده است. جنبش گولن با همه انتقادات و تردیدهایی که در مورد آن وجود دارد، قدرت نرم ترکیه را بسیار گسترش داده است. رویکرد فرهنگی - هویتی جنبش وی، به گونه نسبی عمق استراتژیک ویژه‌ای برای ترکیه ایجاد کرده است. شبکه‌های آموزشی، رسانه‌ای، پزشکی - بهداشتی، رفاهی - حمایتی و نیز اقتصادی - تجاری او زمینه‌ای برای افزایش عمق راهبردی و اندازه اثرگذاری سیاست خارجی ترکیه شده است. بازارهای فرهنگی - اقتصادی فراوانی بر اثر فعالیت‌های گولن و هوادارانش به روی منظومه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه گشوده شده و به آنها توانایی بازی در میدانهای گوناگون داده است. از دید بسیاری کسان، گولن گرچه مدعی خودداری از ورود به عالم سیاست رسمی و عملی است، اما بازی سیاست در پهنه فرهنگ و رسانه را به خوبی نهادینه کرده است. این موضوع هم در عرصه درونی و هم در پهنه بیرونی خودنمایی می‌کند؛ هرچند در موارد فراوانی نیز بر گفتمان، در دو بُعد نظری و عملی انتقادات فراوان وارد می‌شود.

یادداشت

۱. تحركات ضد گولن در سال ۱۹۹۹ آغاز شد؛ در این زمان فیلمی انتقادی از گولن نسبت به حکومت منتشر و علی‌رغم انکارهای گولن، این موضوع دست‌مایه فشارهای فراوانی بر وی و جنبش‌اش گردید. پس از کودتای ۱۹۹۷ علیه اربکان، این جنبش مشروعیت عمومی خود را از دست داد و حملات رسانه‌ای ۱۹۹۹ پس از انتشار این فیلم بر این مسأله دامن زد. در پی این تحولات، و ظاهراً با همراهی گراهام فولر، مرکز جماعت به ایالات متحده و پنسیلوانیا، منتقل گردید.

منابع

- Albright, Madeleine K, Stephen J Hadley, and Steven A Cook (2012) **U.S -Turkey Relations: A New Partnership**, New York: the Council on Foreign Relations.
- Aviv, Efrat (2010) "Fethullah Gülen's "Jewish Dialogue", **Turkish Policy Quarterly**, Vol 9, No 3.
- Aydın-Düzgit, Senem et al (2013) **Political, economic, and foreign policy dimensions of Turkey's evolving relationship with the EU**, Roma: Edizioni Nuova Cultura.
- Barton, Greg (2007) "Preaching by Example: Understanding the Gülen Hizmet in the Global Context of Religious Philanthropy and Civil Religion", in Ihsan Yilmaz et al (eds.) **Muslim World in Transition: Contributions of the Gülen Movement**, London: Leeds, Metropolitan University Press.

Conversations: M. Fethullah Gulen on Turkey, Islam, and the West, New York: State University of New York.

- Stakelbeck, Erick (2013) **The Brotherhood: America's Next Great Enemy**, Washington DC.: Regnery Publishing.

- Turam, Berna (2012) **Secular State and Religious Society: Two Forces in Play in Turkey**, New York: Palgrave Macmillan.

- Turker, A. (2009) "Hypocrisy in languages: criticizing Fethullah Gulen, English or Turkish?", **Today's Zaman**.

- Ugur, Etga (2007) Religion as a Source of Social Capital? The Gülen Movement in the Public Sphere, in Ihsan Yilmaz et al (eds.) **Muslim World in Transition: Contributions of the Gülen Movement**, London: Leeds Metropolitan University Press.

- Van Dijk, Teun A. (1993) **Elite Discourse and Racism**, Newbury Park, CA: Sage.

- Van Dijk, Teun A. (1995) **Ideological discourse analysis**, New Courant (English Dept, University of Helsinki), 4.

- Webb, Mark (2013) "Steps Toward Peace: The Philosophical Foundations of the Gülen Hizmet Movement", Conference Proceedings: **International Conference on the Hizmet Movement**, National Taiwan University, Taipei, Taiwan, December 8 - 9.

- Wodak, Ruth and Christopher Ludwig (1999) "Introduction". In R. Wodak and C. Ludwig, eds., **Challenges in a Changing World. Issues in Critical Discourse Analysis**. Vienna: Passagen-Verlag.

- Wodak, Ruth and Paul A. Chilton (2005) **A New Agenda in (Critical) Discourse Analysis : Theory, Methodology and Interdisciplinarity**, Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.

- Yavuz, M. H. (2003a) "The Gulen Movement: The Turkish Puritans" in **Turkish Islam and the Secular State: the Gülen Movement**. Edited by M. H. Yavuz and J. L. Esposito Syracuse: Syracuse University Press.

- Yavuz, M. Hakan (2003b) **Islamic political identity in Turkey**, Oxford/ New York: Oxford University Press.

- Yavuz, M. Hakan (2009) **Secularism and Muslim Democracy in Turkey**, Cambridge: Cambridge University Press.

- Yavuz, M. Hakan (2013) **Toward an Islamic Enlightenment: The Gülen Movement**, Oxford: Oxford University Press.

- Yavuz, M. Hakan and John L. Esposito (2003) **Turkish Islam and the Secular State: The Gülen Movement**, New York: Syracuse University press.

- Yilmaz, Ihsan (2010) "Civil Society and Islamic NGOs in Secular Turkey and Their Nationwide and Global Initiatives: The Case of the Gülen Movement", **Journal of Regional Development Studies**.

- Yucel, Salih (2010) "Fethullah Gülen; Spiritual Leader in a Global Islamic Context", **Journal of Religion & Society**, 12.

Cambridge: Cambridge University Press.

- Goldman, D. (2010) "Fethullah Gulen's cave of wonders", <http://atimes.com>.

- Gülen, Fethullah (2002) **Essays, Perspectives, Opinions**, Rutherford: The Fountain.

- Gülen, Fethullah (2004) **Toward a Global Civilization of Love and Tolerance**, New Jersey: Lights.

- Gülen, Fethullah (2005a) **The Messenger of God: Muhammad**, New Jersey: Lights.

- Gülen, Fethullah (2005b) **Pearls of Wisdom**, New Jersey: Lights.

- Gulen, Fethullah (2006) **Questions and Answers about Islam**, New Jersey: the Light Inc.

- Gülen, Fethullah (2009) **Toward a Global Civilization of Love and Tolerance**, Clifton: Tughra Books.

- Gülen, Fethullah (2010) **Essays, Perspectives, Opinions** M. Fethullah Gülen, Clifton: Tughra Books.

- Hendrick, Joshua D. (2013) **Gülen: The Ambiguous Politics of Market Islam in Turkey and the World**, New York: New York University press.

- Isgandarova, Nazila (2014) "Fethullah Gülen's Thought and Practice as an Attempt to Reconcile Islam with Secularism", **International Journal of Philosophy and Theology**, Vol. 2, No. 2.

- Jorgensen, Marianne and Louise Phillips (2002) **Discourse Analysis as Theory and Method**, London: SAGE.

- Koc, Dogan (2011) "Strategic Defamation of Fethullah Gulen: English vs. Turkish", **European Journal of Economic and Political Studies**

- Michel, Thomas (2012) "Fethullah Gulen and the Gulen Schools," in **Understanding Fethullah Gülen**, Journalists and Writers Foundation, Istanbul, Turkey.

- Mitzell, A. (2008) The Rise of a New Ottoman Empire: The Trap of Interfaith Dialogue, <http://kurdishaspects.com> (Retrieved at: 01 October 2014).

- Özkan, Behlül (2014) Turkey, Davutoglu and the Idea of Pan-Islamism, Survival: **Global Politics and Strategy** August–September, Volume: 56, number: 4.

- Park, Bill (2012) **Modern Turkey: People, State and Foreign Policy in a Globalised World**, New York: Routledge.

- Park, Bill (2007) "The Fethullah Gülen Movement as a Transnational Phenomenon", in Ihsan Yilmaz et al (eds) **Muslim World in Transition: Contributions of the Gülen Movement**, London: Leeds Metropolitan University Press.

- Rabasa, Angel and F. Stephen Larrabee (2008) **The Rise of Political Islam in Turkey**, Pittsburgh: RAND Corporation.

- Rubin, Lawrence (2014) **Islam in the Balance: Ideational Threats in Arab Politics**, Stanford: Stanford University Press.

- Seufert, Günter (2014) **Is the Fethullah Gülen Movement Overstretching Itself? A Turkish Religious Community as a National and International Player**, Translation by Harriet Spence, Berlin: SWP–Studie.

- Sevindi, Nevval (2008) **Contemporary Islamic**